

ISSN:2821-1588 44		https://www.jadm.khadu.ir	
	Journal of Air Defense Management Volume 4, Issue 14 Summer 2025 P.P. 31-52		
Research Paper			
Characteristics of the Resistance Economy in the Governance of the Holy Prophet (PBUH)			
Zeinab Khedri ¹ , Ebrahim Khorasani Parizi ² , Iraj Jalali ³			
1. PhD Student, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Major in History and Civilization of Islamic Nations, Baft Branch, Islamic Azad University, Baft, Iran. E-mail: Zeinab.khedry1986@gmail.com 2. Associate Prof., Department of History and Civilization of Islamic Nations, Baft Branch, Islamic Azad University, Baft, Iran. E-mail: E.khorasaniparizi@iau.ac.ir 3. Associate Prof. Department of History and Civilization of Islamic Nations, Baft Branch, Islamic Azad University, Baft, Iran. E-mail: Iraj.jalali.53@iau.ac.ir			
Article Information		Abstract	
Received: 2025/04/04 Accepted: 2025/06/17 Keywords: Resistance Economy, prophetic Life, Prophet Muhammad (PBUH), Economic Justice, Domestic Production, Fight Against Hoarding. Corresponding Author: Ebrahim Khorasani Parizi Email: E.khorasaniparizi@iau.ac.ir		Background & Purpose: Methodology: Findings: Conclusion:	
Citation: Khodari, Zeinab; Khorasani Parizi, Ebrahim and Jalali, Iraj. (2025). Designing the Characteristics of the Resistance Economy in the Governance of the Holy Prophet (PBUH). Journal of Air Defense Management, 4(14), 31-52.			



فصلنامه علمی مدیریت دفاع هوایی

دوره ۴، شماره ۱۴

تابستان ۱۴۰۴

صص ۳۱-۵۲



مقاله پژوهشی

شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی در سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص)

زینب خدری^۱، ابراهیم خراسانی پاریزی^۲، ایرج جلالی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، گرایش تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. رایانامه:

Zeinab.khedry1986@gmail.com

۲. استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. رایانامه: E.khorasaniparizi@iau.ac.ir

۳. استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. رایانامه: Iraj.jalali.53@iau.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

زمینه و هدف: بررسی سیاست‌های اقتصادی پیامبر (ص) نشان می‌دهد که اصولی همچون خودکفایی، عدالت اقتصادی، مقابله با احتکار و تنظیم بازار به‌عنوان محورهای اصلی اقتصاد مقاومتی در سیاست‌های حکومتی ایشان مورد توجه قرار گرفته است. اقتصاد مقاومتی به‌عنوان راهکاری برای مقابله با تهدیدات اقتصادی و ایجاد پایداری اقتصادی در جوامع اسلامی، همواره مورد تأکید بوده است. این پژوهش با هدف شناسایی شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی در سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص) انجام شده است.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۳/۲۷

کلیدواژه‌ها:

روش‌شناسی: این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شد و در آن از منابع تاریخی، سیره نبوی و احادیث پیامبر اکرم (ص) بهره‌گیری شده است. داده‌ها از طریق تحلیل محتوای کیفی استخراج شده و مضامین اصلی اقتصاد مقاومتی در سیره حکومتی پیامبر (ص) شناسایی و طبقه‌بندی شده‌اند.

اقتصاد مقاومتی،

سیره نبوی،

پیامبر اکرم (ص)،

عدالت اقتصادی،

تولید داخلی،

مبارزه با احتکار.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص) حاوی الگویی نظام‌مند برای تحقق اقتصاد مقاومتی اسلامی است که بر پایه مفاهیم کلیدی همچون جهاد اقتصادی، پرهیز از ربا، مبارزه با کم‌فروشی، اجرای سیاست‌های استقلال محور و حفظ نظم و عدالت اقتصادی بنا شده است. این شاخصه‌ها، از طریق روابط علت و معلولی و در قالب چهار مرحله‌ی فرهنگ‌سازی، اصلاح ساختارها، حمایت از تولید، و تحقق عدالت اقتصادی، موجب افزایش تاب‌آوری اقتصادی، تقویت اعتماد عمومی، و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات اقتصادی دشمن می‌گردند. نقش‌آفرینی هماهنگ دولت اسلامی، جامعه اقتصادی و نهادهای دینی در تحقق این شاخصه‌ها، بیانگر قابلیت این مدل برای بازآفرینی تمدن اقتصادی اسلام در عصر حاضر است.

نویسنده مسئول:

ابراهیم خراسانی

پاریزی

ایمیل:

E.khorasaniparizi@
iau.ac.ir

نتیجه‌گیری: سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان الگویی جامع و کارآمد در پیاده‌سازی اصول اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود. بهره‌گیری از اصول اخلاقی در تجارت، تقویت تولید داخلی و جلوگیری از انحصارطلبی از جمله راهکارهایی است که می‌تواند به پایداری اقتصادی در جوامع اسلامی منجر شود. در شرایط کنونی، بازنگری در سیاست‌های اقتصادی بر اساس سیره نبوی، می‌تواند راهگشای مقابله با بحران‌های اقتصادی معاصر باشد.

استناد: خدری، زینب؛ خراسانی پاریزی، ابراهیم و جلالی، ایرج. (۱۴۰۴). شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی در سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص).

فصلنامه مدیریت دفاع هوایی، ۴(۱۴)، ۳۱-۵۲.

مقدمه

اقتصاد مقاومتی به عنوان یکی از راهبردهای بنیادین در مواجهه با تهدیدهای اقتصادی، ریشه در تعالیم اسلامی دارد. پیامبر اکرم (ص) در دوران رسالت خود، با چالش‌های اقتصادی گوناگونی روبه‌رو بود که عبور از آن‌ها، نیازمند اتخاذ تدابیر خاصی برای حفظ ثبات اقتصادی جامعه اسلامی بود. این تدابیر که بر اصولی همچون عدالت اقتصادی، خودکفایی، مبارزه با احتکار و حمایت از تولید داخلی استوار بود، نمونه‌ای روشن از اقتصاد مقاومتی در سیره نبوی به‌شمار می‌آید (ابن هشام، ۱۴۰۵، ص ۱۱۲).

در دوران محاصره شعب ابی طالب، رسول گرامی اسلام (ص) با تأکید بر همبستگی اقتصادی و تقویت همکاری‌های درون‌جامعه‌ای، توانست امت اسلامی را از بحران اقتصادی عبور دهد. این رویکرد بر پایه تشویق به تولید داخلی، پرهیز از وابستگی به منابع بیرونی و توزیع عادلانه منابع شکل گرفت (واقدی، ۱۴۱۰، ص ۲۳۵). از دیگر اقدامات مهم پیامبر (ص) در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی، تأسیس بازار مدینه و تنظیم ضوابط و قوانین تجاری بود. ایشان با این اقدام، تلاش کرد انحصار اقتصادی یهودیان را در هم بشکند و بستر اقتصادی سالم و پویایی برای مسلمانان فراهم سازد (ابن سعد، ۱۴۱۸، ص ۳۵۵).

یکی از ارکان بنیادین اقتصاد مقاومتی در سیره پیامبر اعظم (ص)، مقابله با پدیده احتکار است. آن حضرت با صراحت، تاجران را از احتکار کالاها بازداشت و فرمود: **مَنْ احْتَكَرَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ طَعَامًا ضَرَبَهُ اللَّهُ بِالْجُدَامِ وَالْإِفْلَاسِ** (ترمذی، ۱۹۹۶، ص ۸۱). این موضع‌گیری قاطع، نه تنها در مهار افزایش قیمت‌ها و پیشگیری از بحران‌های اقتصادی نقش داشت، بلکه در جهت استقرار عدالت اقتصادی نیز مؤثر واقع شد. پیامبر اسلام (ص) با نظارتی هوشمندانه بر فعالیت‌های اقتصادی، مانع از هرگونه سوءاستفاده در بازار می‌شد و معاملات را بر پایه اصول اخلاقی، انصاف و عدالت بنا نهاد (ابن اسحاق، ۱۴۰۷، ص ۲۱۸).

از دیگر اقدامات ساختاری آن حضرت، طراحی نظام مالیاتی بر مبنای زکات، خمس و صدقات بود. این نظام مالی، منابع پایداری را برای جامعه اسلامی فراهم می‌کرد و به‌طور مستقیم در خدمت حمایت از نیازمندان قرار می‌گرفت؛ بدین‌سان از تمرکز ثروت در دستان گروهی خاص جلوگیری می‌شد (ابن کثیر، ۱۴۲۴، ص ۳۱۲).

پیامبر اکرم (ص)، انفاق و یاری نیازمندان را وظیفه‌ای دینی و اقتصادی برای مسلمانان معرفی کرده، فرمودند: **أَيُّهَا النَّاسُ أَنْفِقُوا وَتَصَدَّقُوا، فَإِنَّ الْمَالَ فِي أَيْدِيكُمْ أَمَانَةٌ** (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۱۲۲). پیامبر اکرم (ص) با تأکید بر تولید داخلی و کاهش وابستگی به بازارهای خارجی، زمینه‌های شکل‌گیری اقتصادی مقاوم و پایدار را فراهم ساخت. ایشان مسلمانان را

به فعالیت در حوزه‌هایی چون کشاورزی، دامداری و صنایع دستی تشویق می‌کرد تا با تأمین نیازهای اساسی جامعه از درون، کشور را از بحران‌های اقتصادی مصون دارند. همچنین، بهره‌گیری از غنایم جنگی و توزیع عادلانه آن‌ها، افزون بر تأمین نیازهای اقتصادی مسلمانان، موجب تقویت همبستگی اجتماعی نیز می‌گردید (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۴۰).

از دیگر محورهای برجسته اقتصاد مقاومتی در سیره نبوی، ایجاد نظام تجاری عادلانه و مقابله با انحصارطلبی بود. پیامبر (ص) با تدوین مقررات اقتصادی و منع ربا، بستری سالم و شفاف برای تجارت فراهم ساخت. ایشان با انعقاد پیمان‌های تجاری با قبایل غیرمسلمان، به‌ویژه در دوره صلح حدیبیه، زمینه توسعه تجارت خارجی و افزایش درآمدهای اقتصادی جامعه اسلامی را فراهم کرد (ابوزهره، ۱۹۷۷، ص ۹۰).

همچنین، پیامبر اکرم (ص) با تأکید ویژه بر اخلاق در تجارت و رعایت اصول امانت‌داری، تلاش نمود تا اقتصاد جامعه اسلامی را از فساد و رباخواری پاک سازد. آن حضرت فرمودند: **التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّبِيِّ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ** (ترمذی، ۱۹۹۶، ص ۸۲). این رویکرد اخلاق‌محور در حوزه اقتصاد، زمینه‌ساز شکل‌گیری بازاری سالم، پایدار و مبتنی بر اعتماد عمومی شد (دهقانی، ۱۳۹۵، ص ۷۸).

در مجموع، سیره نبوی نشان می‌دهد که پیامبر اکرم (ص) با تدوین سیاست‌های اقتصادی‌ای جامع و منسجم، کوشید ضمن مقابله با تهدیدهای اقتصادی، بنیان‌های اقتصاد جامعه اسلامی را بر پایه‌هایی چون عدالت، حمایت از تولید داخلی، همبستگی اقتصادی و اخلاق‌مداری استوار سازد. این سیاست‌ها که در چارچوب سیره نبوی به‌مثابه الگوهایی از اقتصاد مقاومتی شناخته می‌شوند، می‌توانند به‌عنوان الگویی مؤثر و الهام‌بخش در مواجهه با بحران‌های اقتصادی روزگار ما مورد بهره‌برداری قرار گیرند. بر این اساس، در پژوهش حاضر به شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی در سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص) پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

اقتصاد مقاومتی مفهومی نوین در ادبیات اقتصادی معاصر ایران است که با هدف توانمندسازی اقتصاد ملی در برابر تهدیدات خارجی، تحریم‌ها و نوسانات جهانی مطرح شده است. این رویکرد اقتصادی، بر اصولی نظیر درون‌زایی، برون‌گرایی، مردمی‌سازی اقتصاد، عدالت‌محوری، و تاب‌آوری تأکید دارد (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲). به بیان دیگر، اقتصاد مقاومتی تلاشی هدفمند برای ایجاد یک نظام اقتصادی پایدار، انعطاف‌پذیر و مقاوم در برابر شوک‌های بیرونی است.

مفهوم اقتصاد مقاومتی با مفاهیمی مانند تاب‌آوری اقتصادی در ادبیات جهانی پیوند

دارد. تاب‌آوری اقتصادی به توانایی یک اقتصاد برای جذب، تطبیق و بازیابی از بحران‌ها اشاره دارد (بریگولو، کورئینا و ولا^۱، ۲۰۰۹). در همین راستا، اقتصاد مقاومتی به دنبال آن است که اقتصاد کشور بتواند در شرایط تحریم، جنگ اقتصادی یا بحران‌های بین‌المللی، ضمن حفظ پایداری، به رشد و پیشرفت نیز ادامه دهد (عسگری، ۲۰۱۳).

یکی از مؤلفه‌های کلیدی اقتصاد مقاومتی، توجه به ظرفیت‌های داخلی به‌ویژه در حوزه تولید ملی، کارآفرینی، و مدیریت منابع است. همچنین، اصلاح ساختارهای ناکارآمد و حذف وابستگی‌های آسیب‌پذیر از دیگر الزامات این رویکرد به شمار می‌رود (داوودی، ۲۰۱۵). اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مستلزم هماهنگی همه‌جانبه بین نهادهای حکومتی، مشارکت فعال مردم، و توسعه سرمایه اجتماعی و انسانی است (فرجی و حق‌شناس، ۲۰۱۷).

به طور کلی، اقتصاد مقاومتی را می‌توان راهبردی هوشمندانه برای مواجهه با شرایط پیچیده و نامطمئن اقتصادی دانست که بر توانمندی‌های بومی، مشارکت اجتماعی و بهره‌وری بالا تأکید دارد. این الگو، علاوه بر پایداری اقتصادی، به دنبال ایجاد نوعی خودکفایی پایدار در عرصه‌های راهبردی است.

پیشینه تجربی

پژوهش‌های متعددی به بررسی سیاست‌های اقتصادی پیامبر اکرم (ص) در دوران رسالت ایشان پرداخته‌اند. ابن هشام (۱۴۰۵، ص ۱۱۲) در کتاب السیره النبویه به‌طور مفصل به رویدادهای اقتصادی دوران محاصره شعب ابی‌طالب اشاره کرده و نشان داده است که پیامبر (ص) با تأکید بر همبستگی اقتصادی میان مسلمانان، توانست از بحران اقتصادی عبور کند. وی همچنین به تأسیس بازار مدینه توسط پیامبر (ص) اشاره کرده که به‌عنوان یکی از گام‌های مؤثر در ایجاد نظام اقتصادی مستقل و جلوگیری از انحصار اقتصادی مطرح شده است.

واقدی (۱۴۱۰، ص ۲۳۵) در المغازی به سیاست‌های مالی پیامبر (ص) در جریان جنگ بدر پرداخته و بیان می‌کند که پیامبر اکرم (ص) با تدوین قوانین مربوط به توزیع غنائم جنگی، توانست منابع مالی جدیدی برای جامعه اسلامی فراهم کند. این سیاست‌ها نه تنها موجب تقویت بنیان‌های اقتصادی مسلمانان شد، بلکه به توزیع عادلانه ثروت نیز کمک شایانی کرد. وی همچنین به اقدامات پیامبر (ص) در زمینه جلوگیری از احتکار در دوران قحطی اشاره کرده و تأکید کرده است که پیامبر (ص) تاجران سودجو را از انبار کردن کالاها

^۱. Briguglio, Cordina, Farrugia, & Vella

برحذر داشت.

ابن سعد (۱۴۱۸، ص ۳۵۵) در الطبقات الکبری به تحلیل سیاست‌های اقتصادی پیامبر (ص) در دوران مدینه پرداخته است. او به اقداماتی همچون تأسیس بازار اسلامی، جلوگیری از انحصارگرایی یهودیان مدینه و تشویق مسلمانان به تولید داخلی اشاره کرده است. وی همچنین به ایجاد نظام مالیاتی شامل زکات و خمس به عنوان یکی از شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی در سیره نبوی پرداخته و معتقد است که این سیاست‌ها موجب تقویت استقلال اقتصادی جامعه اسلامی شد.

ابن اسحاق (۱۴۰۷، ص ۲۱۸) در سیره ابن اسحاق به سیاست‌های تجاری پیامبر (ص) اشاره کرده و بیان می‌کند که پیامبر (ص) با برقراری پیمان‌های تجاری با قبایل هم‌پیمان، توانست تجارت مسلمانان را از وابستگی به بازار مکه خارج کند. وی تأکید دارد که این اقدامات به کاهش وابستگی اقتصادی مسلمانان به دشمنان اقتصادی انجامید و به تقویت تجارت داخلی منجر شد.

ابن کثیر (۱۴۲۴، ص ۳۱۲) در البدایة والنهایة به تدوین نظام مالیاتی توسط پیامبر (ص) پرداخته و بیان می‌کند که پیامبر اکرم (ص) با تأکید بر عدالت اقتصادی، نظام مالیاتی جدیدی را بر پایه زکات، خمس و صدقات تدوین کرد. وی معتقد است که این نظام مالیاتی، نه تنها به تأمین منابع مالی جامعه اسلامی کمک کرد، بلکه به کاهش فقر و ایجاد توازن اقتصادی نیز انجامید.

بلاذری (۱۹۸۸، ص ۱۲۲) در فتوح البلدان به سیاست‌های پیامبر (ص) در زمینه تجارت خارجی اشاره کرده و بیان می‌کند که پیامبر اکرم (ص) با ایجاد پیمان‌های تجاری با قبایل غیرمسلمان، به توسعه بازارهای جدید برای مسلمانان پرداخت. وی این سیاست‌ها را یکی از عوامل مهم در تقویت اقتصاد اسلامی و کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی در برابر تحریم‌های قریش می‌داند.

قرشی (۱۴۱۳، ص ۱۵۰) در سیره الرسول الأعظم (ص) به اقدامات پیامبر (ص) در زمینه تشویق به تولید داخلی پرداخته و بیان می‌کند که پیامبر (ص) با تأکید بر کشاورزی، دامداری و صنایع دستی، توانست نیازهای اساسی جامعه اسلامی را از طریق منابع داخلی تأمین کند. وی این سیاست‌ها را گامی مؤثر در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی در جامعه اسلامی می‌داند.

مطهری (۱۳۸۸، ص ۴۰) در کتاب عدالت اقتصادی در اسلام به رویکرد پیامبر اکرم (ص) در جلوگیری از انحصار اقتصادی و احتکار پرداخته و بیان می‌کند که پیامبر (ص) با تدوین مقررات تجاری، ضمن مقابله با سوءاستفاده‌های اقتصادی، زمینه ایجاد فضای رقابتی

سالم را فراهم کرد. وی معتقد است که این سیاست‌ها به توزیع عادلانه کالاها و کاهش نابرابری اقتصادی انجامید.

ابوزهرة (۱۹۷۷، ص ۹۰) در خاتم النبیین به تحلیل سیاست‌های اقتصادی پیامبر (ص) در دوران صلح حدیبیه پرداخته و بیان می‌کند که پیامبر اکرم (ص) با انعقاد پیمان‌های تجاری و سیاسی، زمینه تجارت آزاد مسلمانان با قبایل مختلف را فراهم کرد. این اقدام، علاوه بر توسعه اقتصادی، به افزایش قدرت اقتصادی مسلمانان نیز کمک کرد.

دهقانی (۱۳۹۵، ص ۷۸) در مقاله تحلیل اقتصادی سیاست‌های مالی پیامبر اکرم (ص) به نقش سیاست‌های مالی پیامبر (ص) در تقویت اقتصاد مقاومتی پرداخته و بیان می‌کند که پیامبر (ص) با تدوین نظام مالیاتی جامع، از تمرکز ثروت در دست گروهی خاص جلوگیری کرده و منابع مالی پایداری برای جامعه اسلامی ایجاد نمود.

جمع‌بندی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی پیامبر اکرم (ص) بر اصولی همچون تولید داخلی، مبارزه با احتکار، جلوگیری از انحصار اقتصادی، توزیع عادلانه ثروت و تدوین نظام مالیاتی جامع استوار بوده است. این سیاست‌ها که به‌عنوان نمونه‌های بارز اقتصاد مقاومتی در سیره نبوی شناخته می‌شوند، نه تنها به تقویت بنیان‌های اقتصادی جامعه اسلامی منجر شد، بلکه به ایجاد اقتصادی پایدار و عادلانه نیز انجامید. در شرایط کنونی، بهره‌گیری از این سیاست‌ها می‌تواند به‌عنوان راهکاری مؤثر برای مقابله با بحران‌های اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعات کیفی و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. هدف اصلی آن، شناسایی و تبیین شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص) با تأکید بر مؤلفه‌های بازدارنده و تقویتی در برابر تهدیدهای اقتصادی دشمنان، به‌ویژه در حوزه‌هایی چون رباخواری، اختلال نظام، تبعیض اجتماعی و کم‌فروشی است.

برای گردآوری داده‌ها، از منابع تاریخی معتبر، کتب سیره نبوی، مجموعه‌های حدیثی و تفسیری استفاده شده و داده‌های استخراج‌شده، با بهره‌گیری از تحلیل محتوای کیفی قیاسی بررسی و کدگذاری گردیده‌اند. در این فرایند، مفاهیم و مضامین مرتبط با اقتصاد مقاومتی که در رفتار حکومتی پیامبر اکرم (ص) متجلی است، شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل شدند.

ملاک‌های تحلیل، بر اساس مفاهیم کلیدی اقتصاد مقاومتی از منظر گفتمان اسلامی، همچون «عدالت اقتصادی»، «استقلال اقتصادی»، «نفی سلطه»، «اصلاح ساختارهای ناعادلانه»، «تقویت بنیان‌های درون‌زا» و «حفظ کرامت انسانی» استخراج و با مصادیق

سیره نبوی تطبیق داده شده‌اند.

برای اعتباربخشی یافته‌ها، از روش مثلث‌سازی داده‌ها بهره گرفته شده است؛ بدین معنا که برای هر مضمون کلیدی، از منابع مختلف تاریخی، تفسیری و حدیثی استناد شده تا اعتبار و انسجام نتایج افزایش یابد. در نهایت، یافته‌های پژوهش در قالب مضامین اصلی مانند مبارزه با رباخواری، نهی از اختلال نظام، مقابله با تبعیض اقتصادی و اجتماعی، و مبارزه با کم‌فروشی طبقه‌بندی و تحلیل گردیده‌اند. این مضامین به‌عنوان شاخصه‌های راهبردی اقتصاد مقاومتی در سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص) معرفی شده‌اند که قابلیت بهره‌گیری در طراحی سیاست‌های اقتصادی مقاومتی معاصر را دارند.

یافته‌های پژوهش

یکی از روش‌های رایج و کارآمدی که امروزه دشمنان اسلام برای مقابله با مسلمانان و سلطه بر جوامع اسلامی به‌کار می‌گیرند، جنگ اقتصادی است. در چنین شرایطی، مسلمانان نیز موظف‌اند با جهاد اقتصادی که نمود عینی آن در پیگیری و اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تجلی یافته است، نقشه‌های شوم دشمن را نقش بر آب سازند.

در این راستا، بهره‌گیری از رویکرد سلبی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در عرصه‌های اقتصادی، به‌ویژه در مقابله با مفاسد مالی و الگوهای ناعادلانه، می‌تواند راهگشا و کارساز باشد. در ادامه به مهم‌ترین مصادیق این مواجهه اشاره می‌شود؛

مبارزه با رباخواری؛ ربا در لغت به معنای «فروش چیزی به مثل آن، به‌صورت نقد یا نسیه، با دریافت مازادی بر اصل کالا یا وجه» آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۵۳). خداوند متعال در قرآن کریم، ضمن بیان حرمت شدید ربا، آن را مصداق اعلام جنگ با خدا و پیامبر معرفی می‌کند؛

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ۖ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ ۖ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ. پس اگر (از رباخواری) دست نکشید، بدانید که به جنگ با خدا و پیامبرش برخاسته‌اید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه‌های اصلی شما از آن شماست؛ نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم می‌شود. (قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۲۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۲۱۴).

رسول خدا (ص) نیز در روایات متعدد، مبارزه با ربا را از اولویت‌های اقتصادی اسلام دانسته‌اند. آن حضرت، گناه یک درهم ربا را برابر با هفتاد بار زنا معرفی کرده‌اند، و در برخی روایات، رباخوار را همانند شخصی دانسته‌اند که با محارم خود زنا کرده است (نیشابوری، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۶۶۲).

در دوران پیش از اسلام، رایج‌ترین شیوه به‌کارگیری پس‌اندازها برای سرمایه‌گذاری یا مصرف، استفاده از معاملات ربوی بود. رونق تجارت، نیاز به سرمایه را افزایش می‌داد و این افزایش تقاضا، بستر مناسبی برای گسترش ربا فراهم می‌ساخت. در آن دوران، وام‌دهنده هنگام قرض، شرط دریافت مبلغی بیش از اصل وام را مطرح می‌کرد. همچنین، در معاملات، سرمایه‌دار غیرنقدی سرمایه خود را به قیمتی بیش از ارزش واقعی آن به فروش می‌رساند (عبدالمحمدی، ۱۳۸۹، ص ۳۶۳).

از نگاه ثروتمندان قریش، ربا بهترین شیوه بهره‌برداری از پس‌اندازهای‌شان به شمار می‌رفت. آنان با رباخواری، بی‌نیاز از تحمل رنج و مشقت سفرهای تجاری و دشواری‌های حمل‌ونقل کالا، به سودی قابل توجه دست می‌یافتند. این شیوه، در عین حال، به‌دلیل کمبود سرمایه در میان مردمان حجاز—که اغلب چادرنشین و بیابان‌گرد بودند—بسیار سودآور به نظر می‌رسید. تقاضای شدید برای سرمایه در فعالیت‌های تجاری، موقعیتی ممتاز برای صاحبان سرمایه فراهم آورده بود. از سوی دیگر، مال‌اندوزان بدون آن‌که خطر راه‌های خشک و ناامن شبه‌جزیره را به جان بخرند، از سود سرمایه خود بهره‌مند می‌شدند. در صورتی که وام‌گیرنده قادر به بازپرداخت قرض ربوی نبود، خود یا یکی از بستگانش را که به عنوان گروگان قرار داده شده بود، به بردگی ربا‌دهنده درمی‌آمد (شهابی، ۱۳۶۴: ۳۲).

پیامبر اسلام(ص)، از آغاز بعثت، رباخواری را نکوهش و مسلمانان را از این عمل نهی کردند. ایشان، همزمان با پرورش اخلاق اقتصادی در میان مسلمانان و مذمت ربا، به‌تدریج دامنه این رفتار را محدود ساختند. نخست، با اشاره‌ای در آیه ۳۹ سوره روم، زمینه‌سازی فرهنگی برای ترک ربا آغاز شد. سپس ربای مرکب تحریم گردید و در مراحل بعد، در سال‌های پایانی حیات پیامبر(ص)، هرگونه ربا—اعم از ربای قرضی یا ربای معاملاتی، به هر اندازه‌ای—به‌طور صریح حرام و گناهی بزرگ تلقی شد (بقره، آیه ۲۷۶).

در پی این تحول بنیادین، رباخواری از عرصه فعالیت‌های اقتصادی در صدر اسلام رخت بربست و پس‌اندازها تنها از مسیرهای مشروع و مولد، نظیر مشارکت و تولید، به کار گرفته شدند. این تحریم، دامنه استفاده از پول را محدود و راه‌های کسب سود برای صاحبان سرمایه را تنها به سرمایه‌گذاری واقعی و ایجاد ارزش افزوده محدود ساخت. در نتیجه، پس‌اندازکنندگان ناگزیر به همکاری با سرمایه‌گذاران شدند تا از طریق آنان کسب درآمد کنند. این تغییر، صرفاً با اصلاح حقوق اقتصادی و امتیازات قانونی در جامعه صدر اسلام پدید آمد و همراه با تشویق‌های حکومتی نسبت به تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران، منزلتی تازه برای آنان رقم زد؛ منزلتی که موجب افزایش سهم ایشان در مشارکت‌های اقتصادی شد. همچنین، مزایایی که شارع مقدس برای کارگزاران اقتصادی در نظر گرفته بود، به آنان

مزیت نسبی حقوقی و اقتصادی اعطا می‌کرد. مجموع این تحولات، تقاضا برای سرمایه‌گذاری را در اقتصاد صدر اسلام افزایش داد (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

یکی از چالش‌های بزرگ در مکه، مدینه و سراسر شبه‌جزیره عربستان، رواج گسترده رباخواری بود. روش قرآن در مقابله با چنین پدیده‌های ریشه‌دار اجتماعی، رویکردی تدریجی و آگاهانه بود. قرآن نخست با زمینه‌سازی فرهنگی، افکار عمومی را به تدریج نسبت به مفاسد ربا آگاه می‌ساخت و هنگامی که بستر اجتماعی برای پذیرش تحریم آماده می‌شد، حکم نهایی را با صراحت اعلام می‌کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۸۷).

نهی از اختلال نظام؛ هر سیاست یا رفتاری که ارتکاب یا ترک آن به اختلال در نظم و انسجام اجتماعی بینجامد، از منظر شرعی حرام شمرده می‌شود. این تحریم، ضامن حفظ استقلال جامعه و مانعی در برابر استضعاف مسلمانان است. یکی از مصادیق اختلال در نظام آن جاست که اجرای یک فعالیت در ظاهر مجاز، یا پرهیز از یک امر ظاهراً ممنوع، به هرج و مرج یا عسر و حرج در جامعه منتهی شود. برای نمونه، بهره‌برداری از منابع مشترک، از جمله حقوق مشروع تمامی افراد امت اسلامی به‌شمار می‌آید؛ اما با افزایش جمعیت و شدت استفاده از این منابع —همچون شیلات یا مراتع— احتمال نابودی آن‌ها وجود دارد. در چنین شرایطی، تداوم آزادی در بهره‌برداری، نه تنها سودمند نیست، بلکه به اختلال در نظام بهره‌برداری می‌انجامد. از این‌رو، این آزادی محدود می‌شود تا بهره‌برداری به شکل مطلوب و پایدار صورت گیرد. به تعبیر فقها، در چنین مواردی، «عنوان ثانوی» بر حق اولیه عارض می‌شود؛ عنوانی که در اینجا، جلوگیری از هرج و مرج یا رفع عسر و حرج عمومی است.^۱

پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دست کم با چهار نوع قشربندی و تبعیض اجتماعی مبارزه کرد؛ این موارد عبارت‌اند از: تبعیض قومی و نژادی، نظام برده‌داری، تبعیض جنسیتی، و شکاف‌های مبتنی بر متغیرهای اقتصادی. در صدر اسلام، به‌ویژه در جامعه جاهلی عرب، الگوهای گوناگونی از نابرابری رایج بود که نابرابری مبتنی بر قومیت و نژاد، از بنیادی‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌رفت.

مفاهیمی همچون «عرب»، «عجم»، «سیاه» و «سفید»، بنیان‌هایی بودند که جوامع انسانی را بر پایه آن‌ها به طبقات نابرابر تقسیم می‌کردند و میزان دسترسی به منابع و مزایای اجتماعی بر اساس این تقسیم‌بندی‌ها تعیین می‌شد. ذهنیت خودبرتربینیانه اعراب، آنان را به

^۱. تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی نمونه‌ای از عدم اختلال نظام است. ناصرالدین شاه امتیاز خرید و توزیع انحصاری تنباکو را به شرکت رژی انگلیسی و قبل از آن امتیاز چاپ اسکناس و احداث راه آهن را به انگلیسی‌ها واگذار کرده بود، چون این اقدامات باعث با استقلال اقتصادی ایران منافات داشت میرزای شیرازی دست به تحریم تنباکو زد.

باوری رسانده بود که بر اساس آن، هویت و کرامت انسانی دیگر گروه‌های قومی و اجتماعی، به‌ویژه کسانی که از ایشان با عنوان «عجم» یاد می‌شد، فاقد ارزش تلقی می‌گردید. اما پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با نفی هرگونه ملاک برتری‌جویی به‌جز تقوا و با تأکید بر ارزش‌های والای انسانی، به مبارزه‌ای بنیادین با این بینش ناعادلانه پرداخت و مسیر تازه‌ای را برای تحقق برابری، کرامت انسانی و عدالت اجتماعی گشود (سبحانی، ۱۳۷۴: ۴۳).

مبارزه با کم‌فروشی؛ در تاریخ ذکر شده که مردم مدینه در معاملات خود درستکاری را رعایت نمی‌کردند، چون اقتصاد مدینه در دست سرمایه‌داران یهودی بود لذا پیامبرهنگام ورود به شهر مدینه که با مسئله کم‌فروشی، بدفروشی و گرانی مواجهه شدند؛ به مبارزه با آن پرداختند و آیاتی درباره‌ی مبارزه با کم‌فروشی نازل شد و مسلمانان را به شدت از آن نهی کرد چرا که هرگونه تقلب در معاملات، پایه‌های اطمینان و اعتماد عمومی را که بزرگترین پشتوانه‌ی اقتصادی ملت‌ها است؛ متزلزل می‌سازد و ضایعات غیرقابل جبرانی برای جامعه به بار می‌آورد (یعقوبی، ۱۴۱۵ق: ۴۳۳).

خداوند در رابطه با نهی از کم‌گذاری درمکیال و میزان می‌فرماید: «لَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ؛ در پیمانه و میزان کم نگذارید» (هود، ۸۴) و دستور ایفای این دو: «يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ» (هود، ۸۵) فقط درپیمانه و ترازو نیست؛ لیکن به قرینه «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ؛ و بر اشیاء و اجناس مردم عیب نگذارید.» (اعراف، ۸۵) مکیال و میزان، برای نمونه است و فرمان دوری از کم‌فروشی، حکم عمومی و بین‌المللی است و همه‌ی جنبه‌های زندگی را در برمی‌گیرد. زیرا کلمه «الناس» در برگیرنده همه انسانهای مسلمان، کافرو... (اشیاء) نیز انواع خوراکی، پوشاکی، کیلی، وزنی، عددی، مساحتی، تحقیقی و... را شامل می‌شود؛ این قانون، سخن امروز یا دیروز نیست، بلکه در همه‌ی قرن‌ها و در میان همه‌ی ملت‌ها باید در نظر باشد. که علت بسیاری از آلودگی‌های امروزه مانند رانت‌خواری، رشوه‌خواری، کم‌گذاشتن در کارهاست که قرن‌ها پیش، قوم حضرت شعیب به آن گرفتار بودند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۳۹: ص ۱۹۳) حضرت شعیب ابتدا مردم را دعوت به توحید می‌کند و سپس آن‌ها را از کم‌فروشی باز می‌دارد. «قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ» (هود: ۸۴) چرا که دعوت به توحید، دعوت به شکستن همه طاغوت‌ها و همه سنت‌های جاهلی است و هرگونه اصلاح اجتماعی و اخلاقی بدون آن میسر نخواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۹: ۲۰۱)

سپس حضرت شعیب چهار دستور و یک نتیجه کلی برای سعادت قوم خود بیان می‌کند. «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَ زِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ کم‌فروشی ننمائید و مردم را به خسارت و زیان

میندازید و با ترازوی مستقیم و صحیح، وزن کنید حق مردم را کم نگذارید و بر اشیاء و اجناس مردم، عیب ننهید و در روی زمین فساد نکنید.» (شعرا: ۱۸۳). طبق این بیان حضرت شعیب می‌فرمایند؛

۱. کم فروشی نکنید، ۲. «لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ» کلمه (مخسر) به معنی کسی است که شخص یا چیزی را در معرض خسارت قرار می‌دهد که علاوه بر کم‌فروشی هر عاملی را که سبب زیان و خسران طرف در معامله بشود در برمی‌گیرد، ۳. با ترازوی سالم وزن کنید و ۴. «لَا تَبْخَسُوا» که از ماده (بخس) گرفته شده، در اصل به معنی کم‌گذاشتن ظالمانه از حقوق مردم است و گاه به معنی تقلب و نیرنگی است که منتهی به تضییع حقوق دیگران می‌گردد؛ بنابراین هر گونه غش و تقلب در معامله و هرگونه پایمال کردن حق دیگران را شامل می‌شود و در نتیجه کم‌فروشی سبب فساد در زمین می‌شود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵: ص ۳۳۲).

اصلاح الگوی مصرف؛ امام علی (ع) درست مصرف نکردن، یعنی اسراف را باعث فقر دانسته‌اند. سَبَبُ الْفَقْرِ الْإِسْرَافُ؛ سبب فقر، اسراف است (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶). هم‌چنین در سخن دیگری فرموده است: إِعْطَاءُ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ؛ خرج کردن به ناحق، حیف و میل و اسراف است. در حقیقت مصرف‌گرایی عامل تخریب رشد، توسعه و از بین رفتن منابع ملی است. مصرف‌گرایی از یک نگاه در معنای مصرف نامتعارف است که نیاز فیزیکی فرد را برطرف نمی‌سازد؛ بلکه نیاز کاذب فرد یا افراد را که گاه به تقلید از دیگران، تبلیغات، شرایط مادی یا تغییرات ساختار جامعه ایجاد شده برطرف می‌سازد. مصرف‌گرایی در نگاه عالمان دین نیز در همان معنای لغوی اسراف استعمال شده است و شامل هرگونه بیهوده‌گرایی، زیاده‌روی و اتلاف و مانند آنها می‌شود

مصرف یکی از بخش‌های مهم اقتصاد و تأثیر گذار در سایر بخش‌های اقتصادی و غیر اقتصادی جامعه می‌باشد. بخش عمده‌ای از دانش اقتصاد به موضوع مصرف و تقاضا می‌پردازد و بخش قابل توجهی از آموزه‌های دینی به این موضوع اختصاص دارد. مقام معظم رهبری سال ۸۸ را به نام سال اصلاح الگوی مصرف نامیدند و در مباحث بعدی آن را به عنوان یکی از ارکان و الزامات اقتصاد مقاومتی مطرح فرمودند، هدف از این اصطلاح مدیریت و هدایت مصرف جامعه به سمت خیر و صلاح می‌باشد. خیر و صلاح به معنی درست و صحیح مصرف کردن است (عزتی، ۱۳۸۸: ص ۱۵۳)

اصلاح الگوی مصرف به معنای نهاده‌سازی استفاده درست از منابع کشور، نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی، کاهش هزینه‌ها و گسترش عدالت دارد. بررسی و تحلیل الگوی مصرف ملی، به‌ویژه در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی، اهمیت فراوانی دارد؛ چراکه

مصرف یکی از ارکان اصلی اقتصاد هر کشور است. با این حال، تحقق فرهنگ مصرف بهینه تنها با شعار دادن ممکن نیست، بلکه مستلزم تدوین استراتژی‌های روشن، تعیین خط‌مشی‌های اجرایی و عزم جدی مسئولان و مردم است.

از اقدامات ضروری در این مسیر، تهیه نقشه راهبردی و اسناد اجرایی برای نهادهای دستگاه‌هاست تا در سایه آن، برنامه‌های مدون و مؤثری برای بهینه‌سازی مصرف در پیش گیرند. همچنین، اصلاح الگوی مصرف در گرو اصلاح ساختارها، کاهش اندازه دولت، حذف دستگاه‌های موازی و مدیریت صحیح هزینه‌هاست. در نهایت، فرهنگ‌سازی در زمینه‌هایی همچون قناعت، پرهیز از اسراف و اشاعه روحیه میانه‌روی، از الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی است؛ اقتصادی که بر پایه مدیریت صحیح منابع و مشارکت فعال مردم استوار است.

یکی از مسئولیت‌های مهم نهادهای مرتبط در حوزه اقتصاد، آن است که از مرحله تولید تا مصرف، نگاه دینی و قرآنی را معیار عمل قرار دهند، مردم را از رفتارهای اسراف‌آمیز باز دارند و مفهوم «برکت» را به‌درستی تبیین کنند. ضرورت دارد الگویی اقتصادی طراحی شود که مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های دینی و بومی باشد و بتواند وابستگی کشور را به نظام اقتصادی خارجی به‌طور چشم‌گیری کاهش دهد، به‌گونه‌ای که جامعه در تأمین نیازهای اساسی خود به استقلال برسد، حتی در عین تعامل با جهان بیرونی. هرچند رسانه‌ها شاید در طراحی این الگو نقش مستقیمی نداشته باشند، اما در زمینه ترویج آن، آگاهی‌بخشی عمومی و نهادینه‌سازی این الگو در ذهن مردم، نقشی اساسی و تعیین‌کننده خواهند داشت. از این رو لازم است نگاه جامعه نسبت به ارزش و جایگاه کار و تولید در آموزه‌های دینی تقویت شود و ارزش کالاهایی که بر اساس این مبانی تولید شده‌اند، برای مردم تبیین و ملموس گردد.

قرآن کریم دربارهٔ اصلاح الگوی مصرف و بهینه مصرف نمودن می‌فرماید: «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام: ۱۴۱) و از آن میوه هنگامی که به ثمر می‌نشیند، بخورید و حق آن را به هنگام درو بپردازید و اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد».

پیامبر(ص) صرفه‌جویی در مصرف آب از جمله در وضوء و غسل را یادآور می‌شوند و می‌فرمایند: سَلْ بِصَاعٍ وَ سَيَأْتِي أَقْوَامٌ بَعْدِي يَسْتَقِلُّونَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ عَلَى خِلَافِ سُنَّتِي (اشعث کوفی، ۱۳۵۴ق: ۲۱۴) برای وضوء یک مُد (۷۵۰ گرم) و برای غسل یک صاع (۳ کیلو) آب بس است. پس از من گروهی می‌آیند که این مقدار را کافی نمی‌دانند؛ آنها برخلاف سنت من هستند.

مبارزه با رشوه‌خواری؛ رشوه عملی حرام و در فقه به معنای دادن مال به قاضی برای تغییر حکم حق به باطل یا برعکس است (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۲۷۱) و تعریف لغوی آن و در

عمل شامل دادن مال به قاضی و یا کارمند برای تغییر در رای و یا معامله است (نجفی، ۱۴۱۷ق: ۱: ۲۶۴). پیامبر اکرم (ص) به شدت در برابر رشوه حساس بوده و رشوه دهنده و گیرنده را مورد لعن و نفرین قرار داده و حتی آن را معادل کفر و شرک دانسته است (عیاشی، ۱۴۱۶ق: ۱۲: ۶۴). بدیهی است اگر باب رشوه گشوده شود قوانین نتیجه معکوس خواهد داد؛ زیرا اقویا هستند که قدرت بر پرداختن رشوه دارند و در نتیجه، قوانین وسیله‌ای برای ظلم و ستم به حقوق ضعفا خواهد شد. به همین جهت در اسلام مساله رشوه‌خواری به شدت تقبیح و محکوم شده و یکی از گناهان کبیره محسوب می‌شود. (همان)

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تَذُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لَتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، درحالی که می‌دانید (این کار، گناه است). (بقره: ۱۸۸)

اسلام رشوه را در هر شکل و قیافه‌ای محکوم کرده است، و با به کار بردن عناوین مختلف توسط رشوه‌خوار و رشوه‌دهنده مانند هدیه، تعارف، حق و حساب، حق الزحمه و انعام، سبب حلیت آن نمی‌شود این تغییر نام‌ها به هیچ وجه تغییری در ماهیت آن نمی‌دهد و در هر صورت پولی که از این طریق گرفته می‌شود حرام و نامشروع است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲: ص ۷). در تاریخ زندگی پیامبر آمده که به او خبر دادند یکی از فرماندارانش رشوه‌ای در شکل هدیه پذیرفته، حضرت برآشفته و به او فرمود: چرا آنچه حق تو نیست می‌گیری؟ او در پاسخ با معذرت خواهی گفت: آنچه گرفتم هدیه بود. پیامبر فرمود: اگر شما در خانه بنشینید و از طرف من فرماندار محلی نباشید، آیا مردم به شما هدیه‌ای می‌دهند؟ سپس حضرت دستور داد هدیه را گرفته و در بیت المال قرار دادند و وی را از کار برکنار کرد (همان).

پیامبر اسلام (ص) رشوه دهنده و رشوه گیرنده و واسطه بین این دو را از رحمت خدا دور می‌داند: «الرَّأْشِي وَ الْمُرْتَشِي وَ الرَّأْشُ بَيْنَهُمَا مَلْعُونُونَ.» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۳۷) و در روایت دیگری علی علیه السلام رشوه خواری را به کفر خالص تعبیر می‌کند که بوی بهشت بر او حرام است: «لَعَنَ اللَّهُ الرَّأْشِي وَ الْمُرْتَشِي وَ الْمَاشِي بَيْنَهُمَا وَ قَالَ إِيَّاكُمْ وَ الرِّشْوَةَ فَإِنَّهَا مَحْضُ الْكُفْرِ وَ لَا يَشْمُ صَاحِبُ الرِّشْوَةِ رِيحَ الْجَنَّةِ.» (شعیری، بی تا: ۱۵۶) و در کلام دیگری می‌فرماید: «...وَ لَا الْمُرْتَشِي فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبُ بِالْحَقُوقِ وَ يَقِفُ بِهَا دُونَ الْمَقَاطِعِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱) والی نباید در داوری از مردم رشوه ستاند تا رشوه گیرنده حقوق مردم را از میان برده و در بیان احکام و حدود الهی توقف نماید.

نهی از احتکار؛ یکی از تهدیدات جدی برای پویایی و سلامت اقتصاد در جامعه اسلامی، پدیده‌ی احتکار است؛ مسئله‌ای که همواره مورد توجه ویژه پیامبر اکرم

(صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) قرار داشته است. آنان در راستای مقابله با آثار زیان بار این رفتار، فرمانروایان و مردم را به مقابله با محتکران و جلوگیری از این عمل فرا می خواندند. احتکار به معنای گردآوری و انبار کردن مواد غذایی یا کالاهای ضروری، به امید افزایش قیمت در آینده تعریف شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۶۲). این پدیده در نظام اقتصادی، نوعی کنش انحصارطلبانه و ناپسند تلقی می شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۲۰۸)؛ چرا که محتکر با در اختیار گرفتن عمده یا تمام یک کالای اساسی، کنترل توزیع آن را در دست می گیرد و از این طریق، قیمت ها را به نفع خود تغییر می دهد تا سود حداکثری کسب کند (یوسفی، ۱۳۹۵: ۴۷۷). این رفتار سبب خارج شدن کالاها از چرخه توزیع و ایجاد کمبود مصنوعی در بازار می شود که پیامد آن، افزایش غیرواقعی قیمت ها و آسیب به اقشار مختلف مردم است. چنین شرایطی تحقق عدالت اقتصادی را با مانع مواجه می سازد. از این رو، پیشگیری و مقابله با احتکار، گامی اساسی در جهت برقراری عدالت و ثبات در اقتصاد جامعه اسلامی به شمار می آید (یوسفی، ۱۳۹۵: ۳۶۴).

طبیعی است که در صورت وجود تقاضای بسیار نسبت به یک کالا خودداری از عرضه آن موجب فشار بر مصرف کنندگان رشد نامتوازن قیمت کالا و اختلال در بازار می شود. فارغ از اینکه احتکار کالا منحصر در گندم، جو خرما و کشمش باشد یا شامل غذاهای اصلی دیگری هم بشود در سیره اقتصادی رسول خدا (ص) با لحن شدیدی با آن برخورد شده است در این راستا حضرت فرمودند: «مَنْ جَمَعَ طَعَامًا يَتَرَبَّصُ بِهِ الْغَلَاءُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَقَدْ بَرَّئَ مِنَ اللَّهِ وَبَرَّئَ اللَّهُ مِنْهُ» (مجلسی، ۱۴۰۹ق: ۵: ۲۹۲) هر کس طعامی را به مدت چهل روز جمع کند به انتظار آنکه قیمتش زیاد شود، در واقع از خدا بیزار است و خدا نیز از او بیزار است. «يُحْشَرُ الْحَكَارُونَ وَ قَتَلَهُ الْأَنْفُسُ إِلَى دَرَجَةٍ وَاحِدَةٍ» (ابن عساکر، ۱۴۱۶ق: ج ۶۱: ۳۱۱) محتکرین و آدمکشان در روز قیامت در یک رتبه محشور خواهند شد. «يُسَّ الْعَبْدُ الْمُحْتَكِرُ، إِنْ أَرْخَصَ اللَّهُ تَعَالَى الْأَسْعَارَ حَزَنَ وَ إِنْ أَغْلَاهَا اللَّهُ فَرَحَ» (متقی الهمدی، ۱۴۰۱ق: ج ۴: ۹۷)؛ شخص محتکر بنده بدی است؛ اگر خداوند قیمت ها را پایین آورد اندوهگین می شود؛ و اگر بالا ببرد خوشحال می گردد و بدان راضی است.

از نظر امام علی علیه السلام احتکار هر کالایی در مدت زمانی که کالا در آن مدت گران شود به طوری که مردم با زیان روبرو گردند جایز نیست. (یوسفی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۴) و در روایتی پیامبر (ص) فرمود: آن کس که بیش از ۴۰ روز احتکار کرده باشد، رائجی بهشت که از فاصله ۵۰۰ ساله به مشام می رسد بر وی حرام است (مجلسی، ۱۴۰۹ق: ۱۰: ۱۸۹).

نهی از اکتناز؛ کنز در لغت به معنی گذاشتن مال روی هم و محفوظ داشتن آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۲۷). اشخاصی که با شکل ها و شیوه های گوناگون، اموال را گرد

می‌آورند اهل کنز هستند. پول‌ها و سرمایه‌های شخصی باید به نوعی به سود جامعه در گردش باشد. جمع کردن و گردآوردن و بر روی هم انباشتن و از دسترس استفاده جامعه دور نگه داشتن، کنز نام دارد. (حکیمی، ۱۳۷۶: ۳۴۸). علت بروز انواع گناهان و جرائم یکی از دو چیز است؛ یکی فقر مفرط و دیگری ثروت بی حساب. هر یک به اندازه خود تأثیر مستقیمی در اختلال نظام بشری دارد (طباطبایی، ۱۴۰۲ق: ۹: ۳۳۱).

پیامبر اکرم (ص) اقتصاد را مهم و معتبر می‌شمرد، وقتی آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسیاری از دانشمندان و راهبان، اموال مردم را بباطل می‌خورند و از راه خدا باز می‌دارند و کسانی که طلا و نقره را گنجینه می‌سازند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند به مجازات دردناکی بشارت ده.» (توبه: ۳۴) نازل شد، حضرت فرمود: «تَبَّ لِلذَّهَبِ! تَبَّ لِلْفِضَّةِ» اما نه برای آن که با اقتصاد بی‌مهر است؛ بلکه برای آن بود که حضرت با اکتناز و تکاثر مخالف است. اکتناز، منحصر به یک یا چند شیء خاص نیست و ممکن است در زمان‌های مختلف، مکنونات متفاوت از یکدیگر باشند؛ گاهی طلا و نقره و زمانی اوراق بهادار باشند. در زمان‌های گذشته، ذخیره کردن شمش طلا و نقره در زیر خاک حتی در مرحله‌ای که به صورت سکه در آمد و دور نگه داشتن از دسترس مردم رایج بود و اکنون نیز اگر کسی ثروت را ذخیره کند و دور از دسترس قرار دهد، اکتناز درباره او صادق است. «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا» این آیه مطلق است و هر گونه اکتناز را حرام می‌داند. نهی آیه شریفه، نهی از داشتن پول نیست بلکه نهی از حبس کردن آن است چون با جریان ثروت فرد، هم خود استفاده می‌کند و هم دیگران از آن بهره‌مند می‌شوند. «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» وعده عذابی است که به حرمت شدید کنز دلالت می‌کند. پیامبر اکرم (ص) سفارش می‌کردند که باید جامعه، به سمت کوثر برود و از تکاثر زیانبار بپرهیزد (طباطبایی، ۱۴۰۲ق: ۷: ۳۳۴).

نهی از سلطه سفیهان بر اموال؛ خداوند قرار دادن اموال و ثروت در دست سفیهان را نهی کرده است و در این باره آیه‌ای ذیل این مطلب بیان شده است. «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا؛ اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده به دست سفیهان نسپارید.» (نساء، ۵) واژه‌ی سفیه (بر وزن تبه) در اصل یک نوع کم‌وزنی و سبکی بدن است، به طوری که به هنگام راه رفتن تعادل حفظ نشود و به همین جهت به افسار که دائماً در حال حرکت است «سفیه» گفته می‌شود و سپس به همین تناسب در افرادی که رشد فکری ندارند، خواه سبکی عقل آنها در امور مادی یا معنوی باشد بکار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۱۴)

در روایات به تمام افرادی که از جهاتی قابل اعتماد نیستند «سفیه» نامیده شده و از سپردن اموال (شخصی و عمومی) به آنها نهی شده است. یونس بن یعقوب می‌گوید: از امام صادق (ع) تفسیر آیه «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ» را پرسیدم، حضرت فرمودند: سفیه کسی است که مورد اعتماد نباشد. از این روایت برمی‌آید که «سفیه» معنی وسیعی دارد و از سپردن اموال عمومی و خصوصی به آنها نهی شده است، منتها این نهی در بعضی از موارد به عنوان تحریم است و درپاره‌ای از موارد که درجه سفاهت شدید نیست به معنی کراهت است (مجلسی، ۱۴۰۹ق: ۴: ۱۵۶).

مبارزه با بیکاری و اشتغال‌زایی؛ عاملی که باعث گسترش فقر در جامعه می‌شود بیکاری است، بیکاری بلای اجتماعی-اقتصادی شناخته شده‌ای است که به از دست دادن حیثیت و کاهش تولید و پس انداز می‌انجامد. پایین بودن نرخ بیکاری از شاخص‌های مهم توسعه کشور به شمار می‌آید و به همین جهت، ایجاد فرصت‌های شغلی برای جویندگان کار، از اهداف سیاست‌های اقتصادی است.

پیامبر(ص) فرمودند: روز قیامت سخت‌ترین حسابرسی را کسی دارد که کارهایش را دیگران (از پیشکار و نوکر و خدمتکار) انجام دهند و خودش بیکار بگردد. گو این که کار کردن مایه رنج و زحمت است اما بیکاری موجب فساد و تباهی است (مجلسی، ۱۴۰۹ق: ۴: ۱۱۳).

بررسی تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد که پیامبر اکرم (ص) پس از هجرت به مدینه و تأسیس حکومت اسلامی، با وجود درگیری‌های مداوم با مشرکان قریش و یهودیان، از توسعه فعالیت‌های اقتصادی مسلمانان غافل نبود. آن حضرت با اقدامات متنوع، بستر اشتغال و کارآفرینی را برای مسلمانان فراهم می‌ساخت. گاه با بستن قراردادهای مزارعه و مساقات میان انصار — که صاحبان مزارع و باغ‌ها بودند — و مهاجرانی که فاقد زمین و شغل بودند، زمینه اشتغال مهاجران و افزایش بهره‌وری اراضی انصار را مهیا می‌نمود. در مواقع دیگر، با اختصاص زمین برای ساخت بازار و حمام، به گسترش تجارت و ارائه خدمات در جامعه کمک می‌کرد. این رویکرد اقتصادی پس از رحلت پیامبر نیز تداوم یافت. امام علی (ع) نیز در دوران حکومت خود، استانداران را به بهره‌برداری بهتر از ظرفیت‌های کشاورزی فرا می‌خواند و توصیه می‌کرد که با کاهش فشار از دوش کشاورزان و گسترش منابع کشاورزی، به رشد اقتصادی کمک کنند. او همچون یک سیاستگذار آگاه اقتصادی، در نامه‌ای به مالک اشتر، به منظور جلوگیری از رکود کشاورزی، دستور می‌دهد که در زمان خشکسالی و بحران، مالیات کشاورزی (خراج) کاهش یابد و از این کاهش نگرانی به دل راه داده نشود؛ زیرا این اقدام در آینده منجر به افزایش درآمد و رونق اقتصادی خواهد شد و پس از بهبود شرایط، می‌توان مجدداً میزان خراج را افزایش داد (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

اشتغال زایی و رفع موانع اشتغال از جمله راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی است که با اتخاذ سیاست‌هایی از سوی دولت قابل اجراست، سیاست‌های قابل ارائه در این زمینه عبارتند از؛ کار و تلاش جهادگونه با توجه و شرایط فعلی و قرار گرفتن در تحریم از سوی دشمن باید بیش از پیش کار و تلاش نمود تا مقاومت و پویایی اقتصاد حفظ شود؛ به تعبیر دیگر باید جهادگونه تلاش نمود. حضرت علی (ع) نیز مردم را به کار و تلاش فرامی‌خوانند و از سستی و تنبلی نهی می‌نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی در سیره حکومتی پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) انجام گرفته است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که آن حضرت در طول دوران رسالت خویش با تهدیدات اقتصادی گوناگونی مواجه بود؛ از جمله تحریم‌های اقتصادی قریش، محاصره سخت‌گیرانه در شعب ابی‌طالب و تلاش‌های نظام‌مند دشمنان برای تضعیف بنیان‌های اقتصادی جامعه نوپای اسلامی. در مواجهه با چنین چالش‌هایی، پیامبر اکرم (ص) با تدوین و اجرای سیاست‌هایی هوشمندانه و مبتنی بر اصول عدالت، همبستگی اجتماعی و خودکفایی، توانست جامعه اسلامی را از بحران‌های اقتصادی عبور دهد و بنیانی استوار برای نظامی مقاوم در برابر تهدیدات اقتصادی پی‌ریزی کند. این سیاست‌ها، که از کارآمدی بالایی برخوردار بودند، نه تنها در عصر پیامبر (ص)، بلکه در دوران معاصر نیز قابلیت الگوبرداری و اجرا دارند.

یکی از برجسته‌ترین سیاست‌های اقتصادی پیامبر (ص) در برابر تهدیدات اقتصادی، تأکید بر تقویت تولید داخلی و حرکت به سوی خودکفایی بود. در جریان محاصره شعب ابی‌طالب، حضرت رسول (ص) با تشویق مسلمانان به بهره‌گیری از منابع داخلی و ترک وابستگی به محصولات و امکانات بیرونی، نیازهای حیاتی جامعه اسلامی را تأمین کرد. این رویکرد، که بر اصل کاهش وابستگی به منابع خارجی و توسعه اقتصاد درون‌زا استوار بود، بعدها نیز مبنای اقدامات اقتصادی حضرت در مدینه قرار گرفت. پیامبر (ص) با تأسیس بازار مستقل اسلامی در مدینه و حمایت از کسب‌وکارهای خرد و محلی، تلاش کرد تا اقتصادی پایدار و مقاوم در برابر نفوذ و تهدیدات بیگانگان بنا کند. این سیاست‌ها توانستند نه تنها جامعه را از تنگناهای اقتصادی نجات دهند، بلکه الگویی عملی و موفق برای اقتصاد مقاومتی در جوامع بعدی فراهم آورند.

مبارزه با احتکار نیز از جمله سیاست‌های راهبردی پیامبر اکرم (ص) در جهت حفظ تعادل اقتصادی و مقابله با بحران‌های بازار به‌شمار می‌رود. در دورانی که برخی سودجویان، با

سوءاستفاده از تنگناهای اقتصادی، اقدام به احتکار کالا می کردند، پیامبر (ص) با صراحت و قاطعیت فرمودند: «من احتکر فهو خاطئ؛ هر کس کالا را احتکار کند، گناهکار است.» و در روایتی دیگر: «من احتکر طعاماً أربعين يوماً فقد برئ من الله وبرئ الله منه.» این احادیث، نه تنها دلالت بر حرمت احتکار دارند، بلکه به منزله سیاستی مؤثر برای کنترل بازار و مقابله با افزایش کاذب قیمت‌ها تلقی می‌شوند.

پیامبر اسلام (ص) با وضع مقررات دقیق برای نظارت بر بازار، جلوگیری از انحصار کالاها و تأمین نیازهای عمومی، کوشید تا تعادل اقتصادی جامعه را حفظ کند و مانع از شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی شود. این رویکرد، به عنوان یکی از شاخصه‌های محوری اقتصاد مقاومتی، در روزگار کنونی نیز از قابلیت اجرایی بالایی برخوردار است و می‌تواند به عنوان الگویی برای کنترل بازار و مقابله با سوءاستفاده‌های اقتصادی به کار گرفته شود.

پیامبر اکرم (ص) با پایه‌گذاری نظام مالیاتی مبتنی بر زکات، خمس و صدقات، زمینه تأمین مالی پایدار برای جامعه اسلامی را فراهم ساخت. این نظام نه تنها نیازهای اقتصادی فقرا و نیازمندان را برطرف می‌کرد، بلکه به مثابه ابزاری برای جلوگیری از تمرکز ثروت در دست گروهی خاص نیز عمل می‌نمود. پیامبر (ص) با تأکید بر توزیع عادلانه ثروت، درصدد کاهش فاصله طبقاتی و تقویت پیوندهای اقتصادی در میان مسلمانان بود. این رویکرد که مبتنی بر اصل «عدالت اقتصادی» است، از انحصار منابع مالی جلوگیری کرده و زمینه‌ساز توزیع متوازن ثروت در سطح جامعه گردید.

از دیگر سیاست‌های اقتصادی پیامبر (ص)، توجه ویژه به اخلاق‌مداری در تجارت و کسب‌وکار بود. ایشان با ترغیب بازرگانان به رعایت اصول صداقت، امانت‌داری و انصاف در معاملات، تلاش کرد تا فضای اقتصادی جامعه را از مفسد مالی و بی‌اعتمادی پاک‌سازد. پیامبر (ص) به صراحت فرمودند: «التاجر الصدوق الأمين مع النبيين والصديقين والشهداء»؛ یعنی «تاجر راست‌گو و امین، در روز قیامت با پیامبران، صدیقان و شهیدان محشور خواهد شد». این تأکید بر اخلاق‌مداری، اعتماد عمومی به بازار را افزایش داد و از بروز سوءاستفاده‌های اقتصادی جلوگیری کرد. این سیاست، که بر اصل «شفافیت اقتصادی» استوار است، به مثابه یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی، نقش مهمی در ایجاد فضای کسب‌وکار سالم و منصفانه ایفا نمود.

از دیگر اقدامات هوشمندانه پیامبر اکرم (ص) در حوزه اقتصادی، انعقاد پیمان‌های تجاری با قبایل هم‌پیمان و حتی برخی دشمنان اقتصادی بود. هدف از این پیمان‌ها، کاهش وابستگی مسلمانان به بازار مکه و گسترش فرصت‌های تجاری جدید بود. نمونه شاخص این

سیاست، صلح حدیبیه است که به مسلمانان امکان داد تا آزادانه با سایر قبایل وارد مبادلات تجاری شوند. این سیاست که بر اصول «تنوع بازارها» و «کاهش وابستگی اقتصادی» مبتنی بود، گامی مؤثر در مسیر تقویت تجارت خارجی و استقلال اقتصادی جامعه اسلامی به‌شمار می‌رفت.

در کنار این اقدامات، پیامبر اسلام (ص) بر ایجاد همبستگی اقتصادی نیز اهتمام ویژه‌ای داشت. با راه‌اندازی صندوق‌های خیریه، صندوق زکات و تشویق به انفاق، ایشان سعی کرد تا منابع مالی جامعه به‌صورت عادلانه میان نیازمندان توزیع شود. این سیاست نه تنها مانع از تمرکز ثروت شد، بلکه موجب تقویت روحیه تعاون و انسجام اقتصادی در جامعه گردید. پیامبر (ص) با تأکید بر اصل «انفاق» و فرهنگ کمک به نیازمندان، تلاش کرد تا از وقوع بحران‌های اقتصادی ناشی از فقر و نابرابری جلوگیری نماید.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پیامبر اکرم (ص) با طراحی سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر اصول اخلاقی، عدالت‌محوری و استقلال‌طلبی، الگویی کارآمد از اقتصاد مقاومتی را ارائه کرده است. سیاست‌هایی چون حمایت از تولید داخلی، مبارزه با احتکار، توزیع عادلانه ثروت، شفافیت در معاملات و تقویت همبستگی اجتماعی، از جمله راهکارهایی بودند که در برابر بحران‌های اقتصادی و تحریم‌ها مؤثر واقع شدند. امروزه نیز در شرایطی که بسیاری از جوامع اسلامی با چالش‌های اقتصادی و فشارهای بیرونی مواجه‌اند، بازنگری در این سیاست‌ها و بهره‌گیری از آموزه‌های اقتصادی پیامبر اکرم (ص)، می‌تواند راهگشای تقویت بنیان‌های اقتصادی و ارتقاء تاب‌آوری جوامع اسلامی باشد. این سیاست‌ها، نه تنها در دوران صدر اسلام، بلکه در تمامی ادوار تاریخی به‌عنوان الگوهای موفق در مدیریت بحران‌های اقتصادی مطرح بوده‌اند و بازخوانی آن‌ها می‌تواند راهبردی مؤثر برای توسعه پایدار و عادلانه در دنیای معاصر به‌شمار آید.

در این مقاله، تلاش شده است تا یک مدل ساده و کاربردی برای تحقق اقتصاد مقاومتی اسلامی طراحی شود که بر پایه مفاهیم دینی و اصول اخلاقی بنا شده است. در این مدل، برخی از مفاهیم کلیدی به عنوان عوامل اصلی (متغیرهای مستقل) شناسایی شده‌اند، مانند جهاد اقتصادی، پرهیز از ربا، مبارزه با کم‌فروشی، اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و حفظ نظم اقتصادی. این اقدامات پایه‌ای، مسیر رسیدن به اهدافی مانند افزایش تاب‌آوری اقتصادی جامعه، کاهش آسیب‌پذیری در برابر دشمن، گسترش عدالت اجتماعی و تقویت اعتماد عمومی در بازار (متغیرهای وابسته) را هموار می‌کنند.

برای رسیدن به این اهداف و بر اساس یافته‌های پژوهش، مجموعه‌ای از روابط علت و

معلولی میان مفاهیم ذکر شده برقرار شده است. به طور مثال، جهاد اقتصادی و اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی باعث می‌شود که کشور کمتر به واردات و منابع خارجی وابسته شود، و این امر استقلال اقتصادی را تقویت می‌کند. یا مثلاً مبارزه با ربا و کم‌فروشی، که در متون دینی به شدت مورد نهی قرار گرفته‌اند، باعث افزایش اعتماد مردم به بازار و در نتیجه ثبات اقتصادی می‌شود.

در مسیر تحقق این مدل، چهار مرحله اصلی طراحی شده است:

۱. آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌سازی؛ این مرحله با آموزش اصول اقتصادی اسلام، تبیین مفاهیم مانند حرمت ربا و ارزش‌های اقتصادی برگرفته از آیات و روایات آغاز می‌شود.
 ۲. اصلاح قوانین و ساختارها؛ در این گام، لازم است قوانین ناعادلانه اقتصادی مانند تسهیلات ربوی یا بی‌ضابطگی در بازار اصلاح شده و مکانیزم‌های نظارتی تقویت شوند.
 ۳. حمایت از تولید داخلی؛ تمرکز در این مرحله بر پشتیبانی از تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران مولد است تا تولید داخلی تقویت شود و اقتصاد کشور از درون مقاوم گردد.
 ۴. تحقق عدالت اقتصادی؛ با مشارکت فعال مردم، تولیدکنندگان و دولت، شرایط برای توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها فراهم شده و نوعی اقتصاد مردمی و پایدار شکل می‌گیرد.
- در این میان، نقش سه گروه اصلی بسیار کلیدی است:

- **دولت و نهادهای سیاست‌گذار؛** وظیفه آن‌ها طراحی قوانین و سیاست‌های راهبردی برای اجرای این مدل است.
- **فعالان اقتصادی؛** شامل تولیدکنندگان، سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان که باید بر اساس اصول اخلاقی اسلامی فعالیت کنند.
- **نهادهای دینی و فرهنگی؛** مسئول ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی در جامعه‌اند.

در نهایت، این مدل نشان می‌دهد که برای داشتن اقتصادی مقاوم و عدالت‌محور، باید هم‌زمان با اقدامات حقوقی و سیاستی، به اصلاح فرهنگی و رفتاری جامعه نیز توجه داشت. اقتصاد مقاومتی در این دیدگاه نه تنها یک طرح اقتصادی، بلکه یک مسیر تمدن‌سازی اسلامی است. پیشنهاد می‌شود پژوهشی تطبیقی میان سیاست‌های اقتصادی پیامبر اسلام (ص) و اصول اقتصاد مقاومتی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری (مانند حمایت از تولید داخلی، کاهش وابستگی، عدالت‌محوری، و شفافیت اقتصادی) انجام گیرد. این پژوهش می‌تواند به تحلیل میزان انطباق سیاست‌های جاری کشور با مبانی دینی کمک کرده و زمینه تدوین راهبردهای بومی‌سازی شده در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی را فراهم آورد. یکی از محدودیت‌های اصلی این پژوهش، کمبود منابع مستقیم و مستند در زمینه سیاست‌های

اقتصادی پیامبر اکرم (ص) با رویکرد نظام‌مند و کاربردی است. بسیاری از گزارش‌های تاریخی موجود، به صورت روایی و پراکنده به موضوعات اقتصادی پرداخته‌اند و فاقد نظام تحلیلی دقیق برای استخراج شاخص‌های اقتصاد مقاومتی‌اند؛ بنابراین، استنباط مفاهیم اقتصادی از متون تاریخی نیازمند تفسیر اجتهادی و تلفیق میان داده‌های تاریخی و مفاهیم نظری اقتصاد است که ممکن است با چالش‌های تفسیری همراه باشد.

منابع

- ابن اسحاق، محمد بن اسحاق. (۱۴۰۷). *سیره ابن اسحاق*. قاهره: مكتبة التراث الإسلامي.
- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۸). *الطبقات الكبرى*. قاهره: دار الكتب العلمية.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۲۴). *البدایة و النهایة*. ریاض: دار الحديث.
- ابن هشام، محمد (۱۴۰۵). *السيرة النبویة*. بیروت: دار المعرفة.
- ابوزهره، محمد. (۱۹۷۷). *خاتم النبیین*. قاهره: دار الفكر العربي.
- آلوسی، محمود (۱۴۰۵). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دار الفكر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸). *فتوح البلدان*. بیروت: دار الكتب العربي.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۹۹۶). *سنن الترمذی*. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- جعفری، حسین (۱۳۹۷). *عدالت اقتصادی در سیره نبوی*. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی.
- خیاط، عبدالحسین (۱۳۹۰). *اقتصاد اسلامی و سیاست‌های اقتصادی پیامبر اکرم (ص)*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دهقانی، احمد. (۱۳۹۵). تحلیل اقتصادی سیاست‌های مالی پیامبر اکرم (ص). *مجله مطالعات اسلامی*، ۲۲ (۱)، ۷۵-۸۸.
- ربانی، حسن. (۱۴۰۰). بررسی سیاست‌های اقتصادی پیامبر اکرم (ص) در دوران مدینه. *پژوهشنامه علوم اسلامی*، ۱۸ (۴)، ۴۵-۶۰.
- رضایی، محمود. (۱۴۰۱). اقتصاد مقاومتی در سیره پیامبر (ص): راهکارهای مقابله با تحریم‌های اقتصادی. *مجله پژوهش‌های اسلامی*، ۲۹ (۱۸)، ۳۳-۴۸.
- رهبر معظم انقلاب اسلامی. (۱۳۹۲). بیانات در جمع کارگزاران نظام، ۱۶ شهریور ۱۳۹۲. بازیابی شده از <http://farsi.khamenei.ir>
- صالحی، مهدی. (۱۳۹۸). پیمان‌های اقتصادی پیامبر اسلام (ص) با قبایل عرب. *فصلنامه تاریخ اسلام*، ۱۴ (۲)، ۵۵-۶۹.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ الأمم و الملوك*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عسکری، سید مرتضی (۲۰۰۶). *نقش پیامبر در اصلاح اقتصادی جامعه اسلامی*. تهران: نشر الهدی.
- قرشی، باقر شریف (۱۴۱۳). *سیرة الرسول الأعظم (ص)*. قم: موسسه آل البيت (ع).
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). *عدالت اقتصادی در اسلام*. تهران: انتشارات صدرا.
- ناصح، علی. (۱۳۹۳). نقش پیامبر اسلام (ص) در توسعه اقتصادی جامعه اسلامی. *مجله اقتصاد اسلامی*، ۱۲ (۳)، ۸۹-۱۰۲.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۱۰). *المغازی*. بیروت: دار الفكر.

- Askari, H. (2013). *Conflicts in the Persian Gulf: Origins and Evolution*. Palgrave Macmillan.
- Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N., & Vella, S. (2009). Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements. *Oxford Development Studies*, 37(3), 229–247.
- Davoudi, S. M. (2015). Investigating the Economic Resilience in Iran: Challenges and Opportunities. *Journal of Economic Research*, 15(2), 25–48.
- Faraji, M., & Haghshenas, H. (2017). Social Capital and the Implementation of Resistance Economy Policies in Iran. *Iranian Journal of Economic Studies*, 5(1), 1–20.